

Original Article

Reload approach of human dignity in the realm of bioethics

Mohammad Reza Rahbarpour¹

1. Assistant Professor at Criminal Law and Criminology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: Rahbarpour@atu.ac.ir

Received: 11 Jul 2016 Accepted: 14 Sep 2016

Abstract

Background and Aim: Bioethics as a new branch of normative ethics and applied to the basic strategies in the face of questions and answers explaining the challenges posed by the emergence of new technologies, biomedical deals. Implementation issues such as human cloning, stem cells, shimmer and demonization organisms, genetic manipulation and gene-related technologies and biomedical experiments on human subjects, is subject to bioethics studies. In the meantime, Human Dignity as the source of all human rights has an important place in the field of bioethics and biomedical technology to permit or prohibit any behavior or action in this area.

Materials and Methods: In this article with the use of previous studies about Human Dignity and the search keywords in the origin sources, tried to analyze and assess the place of human dignity in the context of the implementation of Bioethics.

Ethical Consideration: Principles of research ethics were observed in searches and cite texts and primary sources.

Finding: In this brief article the different approaches of human dignity in connection with bioethics have been studied and evaluated: assessment of religiosity readings that reflects the characteristics and traits of inherent dignity of the human being and attributes of Allah the way He sees; exposition of philosophical interpretations ranging from the tradition of Kantian deontological, utilitarian approach and the approach of a naturalist's among the subjects, that in this study descriptive, analytical, and criticized the accuracy and purpose of issue of why the prohibition and criminalization in the areas of bioethical issues.

Conclusion: In the final classification and the integration of various approaches, the importance of human dignity as the source of all human rights has been asserted and any restriction on the scope of bioethics must be in the light of observation and respect to the dignity of the human identity.

Keywords: Bioethics; Criminal Protection; Dignity; Divine Dignity; Deontology; Utilitarianism; Naturalism

Please cite this article as: Rahbarpour MR. Reload approach of human dignity in the realm of bioethics. *Iran J Bioethics* 2017; 6(22): 19-31.

بازخوانی رهیافت‌های کرامت انسانی در قلمروی اخلاق زیستی

محمدرضا رهبرپور^۱

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Rahbarpour@atu.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۴

چکیده

زمینه و هدف: اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید از اخلاق هنجاری کاربردی به تبیین پاسخ‌ها و راهبردهای اساسی در مواجهه با پرسش‌ها و چالش‌های ناشی از ظهور و بروز فناوری‌های نوین زیست‌پزشکی می‌پردازد. کاربرست موضوعاتی چون شبیه‌سازی انسانی، سلول‌های بنیادی، موجودات شیمیری و هیولگونه، دستکاری‌های ژنتیکی و فناوری‌های مرتبط با ژن و آزمایش‌های زیست‌پزشکی بر روی آزمودنی‌های انسانی، دستمایه مطالعات اخلاق زیستی قرار می‌گیرد. در این میان، کرامت انسانی به عنوان منشأ کلیه حق‌های بشری، جایگاه مهم و خطیری در حوزه اخلاق زیستی و جواز یا ممنوعیت هر گونه رفتار نوپدید در قلمروی فناوری‌های زیست‌پزشکی یافته است.

مواد و روش‌ها: در مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مطالعات پیشینی در باب کرامت انسانی و با جستجوی واژگان کلیدی مرتبط در منابع نخستین و اصیل، تلاش شده است تا جایگاه کرامت انسانی در گستره اخلاق زیستی مورد تطبیق، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. **ملاحظات اخلاقی:** اصول اخلاق پژوهش در جستجوها و استناد به متون و منابع اولیه رعایت شد.

یافته‌ها: در این جستار کوتاه، قرائت‌ها و رهیافت‌های متفاوت از کرامت انسانی در ارتباط با اخلاق زیستی مورد مطالعه قرار گرفته است: ارزیابی قرائت دین‌مدار که کرامت ذاتی انسان را بازتابی از ویژگی و صفت وجه‌الله بودن وی می‌انگارد؛ تقریر قرائت‌های فلسفی اعم از سنت وظیفه‌گرایانه کانتی، رهیافت فایده‌گرایانه و نیز رویکرد طبیعت‌گرایانه، از جمله مباحثی هستند که در این مطالعه علمی مروری، مورد دقت و نقد قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: در جمع‌بندی نهایی و در تجميع رهیافت‌های گوناگون، بر اهمیت و نقش کرامت انسانی به عنوان منشأ کلیه حق‌های بشری تأکید گردیده، هر گونه تحدید و ممنوعیت در قلمروی اخلاق زیستی، به رعایت و لحاظ ابعاد کرامت در هویت انسانی مستند می‌گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی؛ حمایت کیفری؛ کرامت ذاتی؛ کرامت الهی؛ وظیفه‌گرایی؛ فایده‌گرایی؛ طبیعت‌گرایی

مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی فراروی فناوری‌های نوین زیستی، ادعای تعارض برخی از مصادیق و جنبه‌های آن با کرامت انسانی و حقوق بشر است. رعایت حقوق بشر و احترام به کرامت، شأن و مرتبه انسانی در مواجهه با فناوری‌های نوین زیستی و مطمح نظر قراردادن آن حقوق، موضوعی است که در کلیه اسناد بین‌المللی به ویژه اعلامیه‌های صادره از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد - یونسکو - بر آن تصریح شده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر مصوب ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷، اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی مصوب ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲ و در نهایت اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی از جمله اسناد مهمی هستند که در آن‌ها ضمن تأکید بر منزلت و کرامت انسان و احترام همگانی به حقوق بشر و آزادی‌های وی، هرگونه آزمایش، پژوهش یا اقدامی در حوزه زیست‌پزشکی و ژنتیکی که مغایر با حقوق بشر و کرامت انسانی باشد، ممنوع اعلام شده است. از این روی شاید بتوان ملاحظات حقوق بشری و رعایت شأن و کرامت انسانی را بنیانی مستقل و دارای نقش اساسی در ایجاد ممنوعیت و حمایت کیفری از موضوعات زیست اخلاقی محسوب نمود.

در این میان، مفهوم کرامت انسانی در حوزه حقوق بشر، نقش مهمی ایفا می‌کند. نقش و کارکرد این مفهوم در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار برجسته و اساسی است. بر اساس این دو سند جهانی، شناسایی کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، مبنای آزادی و عدالت و صلح در جهان محسوب می‌شود. همچنین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م. اشعار می‌دارند که کلیه حق‌های بشری از کرامت ذاتی انسان نشأت می‌گیرند. با این حال، به رغم کاربردهای فراگیر مفهوم کرامت ذاتی انسان در اسناد و منابع گوناگون، تعریف مشخصی از آن به عمل نیامده است. از این رو، ضرورت تبیین مفهومی آن - چه به صورت مستقل و انتزاعی و چه به صورت کاربردی و وابسته به موضوعات اخلاق

زیستی - امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. بر این اساس، در جستار حاضر تلاش می‌شود تا ضمن تبیین مفهومی کرامت بشری و بررسی مبانی مذهبی و فلسفی آن، نحوه تعامل و ارتباط دیدگاه‌های مبتنی بر کرامت ذاتی بشر با عناوین موجود در قلمروی اخلاق زیستی، شرح و بسط داده شود.

مواد و روش‌ها

در مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مطالعات پیشین در باب کرامت انسانی و با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط در منابع نخستین و اصیل در حوزه‌های اخلاق، حقوق بشر و بین‌الملل، تلاش شده است تا جایگاه کرامت انسانی و رهیافت‌های آن در گستره اخلاق زیستی مورد تطبیق، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در این رهگذر، مقالات، کتب و منابع اینترنتی به ویژه منابعی که در دوره فرصت مطالعاتی نگارنده در موسسه ماکس پلانک آلمان در تابستان ۱۳۹۵ در دسترس قرار گرفت، نقشی به سزا در غنای ادبیات این مقاله ایفا کرده است.

ملاحظات اخلاقی

تلاش گردید تا اصول اخلاق پژوهش در جستجوها و استناد به متون و امانت‌داری در ارجاع به منابع اولیه به طور کامل رعایت گردد.

یافته‌ها

در جستار حاضر تلاش می‌شود تا با تبیین مفهومی کرامت بشری از منظر رهیافت‌های گوناگون و بررسی مبانی مذهبی و فلسفی آن، نحوه تعامل و ارتباط دیدگاه‌های مبتنی بر کرامت ذاتی بشر با عناوین موجود در قلمروی اخلاق زیستی، بازخوانی و واکاوی گردد.

۱- قرائت دین‌مدار از کرامت ذاتی انسان در قلمروی اخلاق زیستی

در نظرگاه ادیان بزرگ جهان به ویژه ادیان توحیدی و ابراهیمی، انسان دارای کرامت ذاتی شناخته شده است (۱). مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های بسیاری از این ادیان، مبنا و منشأ

کرامت انسان، ذات باری تعالی است. انسان به عنوان برترین و برگزیده‌ترین آفریده خداوند متعال، برخوردار از حرمت و قداستی است که ریشه در ذات پروردگار دارد و موجب گردیده است تا انسان در مقام خلیفه‌اللّٰهی از درجه بالاتری از احترام و منزلت نسبت به سایر موجودات آفرینش برخوردار باشد.

۱-۱- کرامت انسان در آیین یهود: از دیدگاه یهود،

کرامت انسان (Kevod Ha-Beriyot)، بازتابی از صفت وجه‌الله‌بودن (Betzlem Elokim) وی است (۲). حرمت و قداستی که انسان از آن برخوردار است به خاطر خودش نیست، بلکه به سبب آن است که به صورت خداوندی آفریده شده است. از آنجایی که کرامت انسانی از کرامت الهی نشأت یافته است، در نتیجه هر گونه توهین به انسان، توهین به ذات خداوندی به شمار می‌رود (۱).

۱-۲- کرامت انسانی در آموزه‌های مسیحیت: در

آموزه‌های مسیحیت، با تأکید ویژه‌ای، کرامت ذاتی انسان و احترام به قداست وی مطرح شده است. از نظر آیین مسیحیت، کرامت بشری ریشه در نگرش انسان‌شناختی تعلیم آن به جایگاه انسان در مجموعه نظام هستی دارد. بر همین اساس، منزلت انسان در اندیشه مسیحیت، همچون آیین یهود، مبتنی بر مفهوم خلیفه‌اللّٰهی‌بودن (Imago Dei) انسان است (۳). بر اساس این دیدگاه، انسان همانند خداوند و بر صورت او آفریده شده و با دیگر موجودات هستی تفاوت آشکار و بلکه بر ایشان برتری و سروری داشته، نظام طبیعت و سایر موجودات آفرینش الهی زیر سلطه و اقتدار او قرار دارند. پاپ ژان پل دوم در رساله انجیل حیات (Evangeliū Vitae)، با استناد به آیاتی از باب‌های آغازین سفر پیدایش به این نتیجه می‌رسد که انسان بر طبیعت، تفوق و تسلط کامل دارد و این تسلط به دلیل آن است که وی مشابه و بر صورت خداوند آفریده شده و بنابراین حیات انسانی، حیاتی خاص و مشترک میان خداوند و اوست. در نتیجه، انسان موجودی مکرم و منحصر به فرد است (۴). وی در جایی دیگر در توضیح خاستگاه کرامت ذاتی انسان می‌گوید: «اهمیت فرد انسانی را نمی‌توان به صورت یک ابزار یا وسیله‌ای صرف - خواه در جهت اهداف گونه‌ها و خواه جامعه - فرو کاست؛ انسان فی‌ذاته یک شخص است. او با قوه

تعقل و اراده خویش، قادر به برقراری رابطه معاشرت و تفاهم با هم‌نوع‌های خود است. این امر به واسطه روح ملکوتی اوست که کل وجود فرد، دارای چنین کرامتی، حتی در جسم خویشتن می‌شود» (۵).

بر اساس این برداشت، قاعداً باید رفتار احترام‌آمیز و اکرام‌گونه‌ای با انسان صورت پذیرد. این قاعده نه تنها مربوط به چگونگی رفتار با انسان‌ها می‌شود، بلکه همچنین مسائل مربوط به نحوه «به وجود آمدن» انسان را نیز شامل می‌شود. بنابراین اگر با انسان‌ها به گونه‌ای رفتار شود که برخلاف سنت و شیوه الهی باشد و یا خلق و ایجاد انسان‌ها به طرُق و شیوه‌هایی صورت پذیرد که کرامت و حرمت انسانی در آن‌ها لحاظ نشده باشد، در این صورت کرامت انسانی نقض و انکار شده است (۶).

بر اساس نظرات پاپ ژان پل دوم، در قلمروی موضوعات اخلاق زیستی، اساسی‌ترین معیار جهت ارزیابی فناوری‌های جدید زیست‌پزشکی، رعایت اصل کرامت انسانی و توجه به آن است. به گفته وی: «در هر شرایطی، از شیوه‌های ناتوان از رعایت کرامت و ارزش شخص همواره باید اجتناب کرد» (۶). وی بر این باور بود که برخی از فناوری‌های زیستی و ژنتیکی از قبیل شبیه‌سازی انسان، موجب می‌گردد تا انسان برای انسان به وجود آید و نه برای مقاصد الهی و از همین رو، نوعی بی‌حرمتی و نقض کرامت ذاتی وی شکل می‌گیرد (۱). همچنین از نظرگاه رسمی واتیکان، تبدیل‌شدن انسان به شیء و کالا در فناوری‌های نوین زیستی در تعارض آشکار با کرامت ذاتی انسان است: «شبیه‌سازی انسان، تمایل جنسی انسانی را به شیء بدل می‌سازد و تن و اندام زنان را به متاعی در معرض فروش تبدیل می‌کند. افزون بر آن، زنان از طریق تبدیل به فراهم‌آوردندگان تخمک و رحم، از کرامت ذاتی خود محروم می‌شوند» (۷). بر این اساس می‌توان گفت که از نظرگاه آیین مسیحیت، فناوری‌های نوین زیست‌پزشکی، به نقض هنجارهای اساسی اخلاق منجر می‌شوند. بنابراین باید یکصدا محکوم شده و به کارگیری آن‌ها ممنوع اعلام گردد. شبیه‌سازی انسانی، دستکاری‌های ژنتیکی و خلق‌گونه‌های جدید انسانی، فرایند تولید مثل بشر و تداوم جریان حیات آدمی را به فرآیند تولید

و تکثیر محصولات مصنوعی و ابزاری بدل می‌سازند که در نتیجه آن، موجودات انسانی طبق ویژگی‌های معین و به شکل انبوه تولید می‌شوند. شیء‌شدگی انسان و تعامل با آن به مثابه کالاهای مصنوعی و ساخته دست بشر، چیزی جزء زیر پا گذاشتن ارزش‌های الهی بشر و کرامت ذاتی او نیست (۳).

در دیدگاه مسیحیت، رویان‌ها و یاخته‌های بشری از همان لحظه انعقاد نطفه و شروع به رشد و نمو نباتی، فرد انسانی محسوب شده و دارای حیات محترم و کرامت و منزلت ذاتی انسانی می‌باشند. بنابراین هر گونه دستکاری در آن‌ها ولو به انگیزه استحصال سلول‌های بنیادی و با هدف پژوهش‌های درمانی، دخالت در امر خداوندی محسوب شده و ناقض کرامت ذاتی انسان خواهد بود. در نتیجه، اعتقاد به آموزه‌های مسیحیت، علاوه بر شبیه‌سازی تولید مثلی انسان، مسیر شبیه‌سازی درمانی و پژوهشی را نیز که با هدف استحصال سلول‌های بنیادی و به کارگیری آن‌ها جهت مداوای بیماران صورت می‌پذیرد، مسدود می‌سازد.

در مقام نقد و بررسی باید گفت که تمسک آباء کلیسا و اندیشمندان مسیحی به کرامت انسانی و تلاش برای اجتناب از نقض آن در رد به کارگیری فناوری‌های جدیدی چون شبیه‌سازی انسان، با دو دشواری اصلی رو به رو می‌باشد: ابهام نخستین در معنا و مفهوم «کرامت انسان» است. واقعیت آن است که به رغم استناد فراوان به تعبیر «کرامت انسان» در متون مختلف مسیحی، تلاش چندانی برای تبیین مفهوم کرامت و کرامت ذاتی انسان صورت نگرفته است. در حقیقت، مفهوم کرامت انسانی، تعبیر جدیدی است که از قرن هیجدهم وارد سنت اخلاقی غرب شده است و در آنجا نیز اجماع نظری درباره مفهوم آن وجود ندارد. روث مک‌کلین (Ruth Macklin)، از متخصصان نامدار در حوزه اخلاق زیستی، کرامت را تعبیری شعارگونه و پرزرق و برق می‌داند که بسیار مبهم بوده و صرفاً هنگامی که دلایل روشن و مشخصی در میان نباشد به آن استناد می‌شود تا آنجا که گاه موافقان و مخالفان، هر دو توأماً در مقام اثبات مدعای خود به آن استدلال می‌کنند (۸).

ابهام دوم در تحقق نقض کرامت انسانی در صورت استفاده از شیوه‌ها و تکنیک‌های جدید زیستی است. بر فرض پذیرش

و اتفاق نظر بر مفهوم واحدی از کرامت انسانی، دقیقاً با چه معیار و ملاکی در تکنیک‌هایی چون شبیه‌سازی انسان، کرامت ذاتی وی نقض می‌شود؟ از متون و اسناد مسیحی، معیارهای مختلفی استنباط می‌شود. در برخی از این متون، معیار کرامت انسانی حفظ حیات حاصل از نطفه و تداوم آن در تمام مراحل جنینی است. از این منظر، هر عملی که به نابودی رویان انسانی بینجامد، غیر اخلاقی و ناقض کرامت انسانی تشخیص داده می‌شود. بر همین اساس است که پاپ ژان پل دوم در پیامی از پزشکان می‌خواهد تا از شیوه‌هایی که به نحوی کرامت و ارزش فرد را نقض می‌کند، استفاده نکنند. وی در پیام خود به کنگره بین‌المللی پیوند اعضا اظهار می‌دارد: «مخصوصاً به تلاش‌هایی در شبیه‌سازی انسانی با این نگرش که اعضای برای پیوند به دست آورند، می‌اندیشم. این تکنیک‌ها تا زمانی که مستلزم به دست آوردن و نابودکردن رویان‌های انسانی است، اخلاقاً ناپذیرفتنی است، اگرچه هدف مورد نظر آن‌ها فی‌نفسه خوب باشد» (۳).

چنین برداشتی از کرامت ذاتی انسان در رهیافت کاتولیکی از مسیحیت، به معنای ارجمند و محترم‌شناختن جان انسان است و با فرض این‌که رویان آدمی را از اولین لحظه انعقاد نطفه، انسان فرض کنیم، محترم شمرده می‌شود؛ با این حال چنین تفسیری از نقض کرامت انسانی تنها مواردی چون استحصال سلول‌های بنیادی از رویان اولیه را دربر می‌گیرد و بسیاری از فناوری‌های جدید از جمله شبیه‌سازی تولید مثلی انسان را شامل نمی‌شود.

۳-۱- کرامت انسانی در دین اسلام: در دین اسلام نیز

به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، بر کرامت و عزت نفس آدمی تأکید شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). نقطه ثقل و محور عمده آموزه‌های اخلاقی و باید و نبایدهای آن در تعالیم روح‌بخش اسلام، کرامت نفس و عزت و منزلت انسان دانسته شده است. این کرامت و عزت نفس به واسطه عواملی چند به آدمی ارزانی شده است: نخست آنکه انسان حامل و دربردارنده روح الهی است و اساساً در اثر این نفخه روح الهی بوده است که به صورت بشر پدید آمده و سزاوار سجده فرشتگان مقرب الهی گردیده است: «إِذَا نَفَخْتُ

فیه من روحی فَعَقُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) و در نهایت نیز به مقام خلیفه‌اللهی نائل شده است: «إِنِّي جَاعِلُكَ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ دوم این که انسان تنها آفریده‌ای است که حامل حجت باطنی عقل و ودیعه الهی عقلانیت است تا با استفاده از آن، سره را از ناسره باز شناخته، حق را از باطل تمییز دهد و در مسیر کمال گام بردارد (اشاره به حدیث منقول از امام کاظم (ع))؛ سوم آنکه خداوند، این جسم و اعضا و جوارح ظاهری و مادی را به انسان - که در بین آفریده‌های عالم به صفت «اشرف مخلوقات» مفتخر گردیده است - ارزانی داشته و به آن کرامت بخشیده است: «پس پاک خدای باعظمت، ... از دَم خود در آن دمید تا به صورت انسانی گردید: دارنده ذهن‌هایی که آن‌ها را به کار بندد و صاحب اندیشه‌ای که تصرف او را بپذیرد. با دست و پای در خدمت او و اعضایی در اختیار و قدرت او. با دانشی که بدان حق را از باطل جداکردن داند و مزه‌ها و بوی‌ها و رنگ‌ها و دیگر چیزها را شناختن تواند... پس از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند، ادا کنند و عهدی را که پذیرفته‌اند وفا کنند. سجده او را از بُن دندان بپذیرند و خود را خوار و او را بزرگ گیرند» (نهج‌البلاغه).

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه اسلام، در کرامت طبیعی و ذاتی، همه آدمیان با یکدیگر برابرند، زیرا انسان‌ها در ذات خود دارای کرامت هستند و این نوع کرامت به واسطه صرف انسان‌بودن به ایشان اعطا می‌گردد. در مقابل، نوع دیگری از کرامت در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار دارد که از آن به کرامت الهی یاد می‌شود. کرامت الهی در اثر تلاش و مجاهدت انسان در راه ارزش‌ها و هنجارهای الهی و نیل به مقام انسان کامل، به وی اعطا می‌شود. تقوای الهی و پرهیزگاری مهم‌ترین عامل جهت کسب چنین کرامتی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳). به عبارت دیگر، کرامت ذاتی انسان، نمود درونی و ذهنی این مفهوم است، حال آنکه کرامت الهی، نمود بیرونی و خارجی آن است. برای کرامت ذاتی، تلاشی از سوی انسان صورت نمی‌گیرد، اما برای وصول و نیل به کرامت الهی، باید تلاش و مجاهدت بسیار صورت گیرد.

در غالب آثاری که اندیشمندان مسلمان از منظر اخلاقی به موضوعات زیست‌فناوری و به خصوص شبیه‌سازی انسان، پرداخته‌اند، مسأله نقض کرامت ذاتی انسان نیز مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از ایشان با تمسک به دلیل نقض کرامت ذاتی انسان، بر نفی به کارگیری فناوری‌هایی چون: شبیه‌سازی انسان (اعم از شبیه‌سازی تولید مثلی و درمانی)، سلول‌های بنیادی جنینی، دستکاری‌های ژنتیکی و مهندسی جرم لاین، پیوند اعضای حیوانات و موجودات دورگه و پیوندی به انسان و نیز انجام آزمایش‌ها و پژوهش‌های زیست‌پزشکی بر روی انسان... استدلال نموده‌اند (۹-۱۰). مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، در مقدمه بیانیه نهایی خود پیرامون شبیه‌سازی انسان، تأکید می‌کند: «خداوند انسان را در بهترین میزان و اندازه آفرید و او را به غایت کرامت بخشید، پس فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ با این حال، شبیه‌سازی انسانی این کرامت و شرافت ذاتی انسان را مخدوش می‌سازد. از این منظر، شبیه‌سازی انسانی خطری بزرگ بر ضد کرامت انسانی به شمار می‌رود» (۱۱).

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که موضوعات اخلاق زیستی و به ویژه شبیه‌سازی انسانی چگونه با کرامت ذاتی انسان معارض و ناسازگار است؟ در برابر این پرسش، پاسخ روشنی ارائه نشده است. غالب نوشته‌ها به شکلی کلی به کرامت ذاتی انسان و نقض آن در صورت تحقق شبیه‌سازی انسانی، دستکاری‌های ژنتیکی و یا انجام آزمایش‌ها و پژوهش‌های زیست‌پزشکی بر روی انسان اشاره می‌کنند، اما به وضوح بیان نمی‌سازند که چگونه تحقق شبیه‌سازی انسانی یا سایر موضوعات اخلاق زیستی، با کرامت ذاتی انسان در تعارض است؟

در بیان چگونگی نقض کرامت ذاتی انسان به وسیله شبیه‌سازی و سایر فناوری‌های زیستی چالش‌برانگیز، توجیه و تفسیرهای متفاوتی را می‌توان از تعبیر نویسندگان مسلمان برداشت نمود:

نخست آنکه کرامت ذاتی انسان در نحوه ایجاد و تولید مثل، شکل باروری و زادن اوست. در نتیجه، هر کاری که به

دستکاری و تغییر این شیوه بینجامد و به جای روش طبیعی، روشی دیگر برگزیده شود، کرامت ذاتی انسان را نقض نموده است (۱۰). این تقریر و توجیه از کرامت ذاتی انسان با اشکال مواجه است، چراکه اگر کرامت انسانی در نحوه تناسل و زایش آدمی تفسیر شود، در هر کجا که شیوه تولید مثل و زایش، برخلاف سنت معمولی تحقق یابد، باید حکم به نقض کرامت ذاتی انسان داد. بنابراین طبق این تقریر و توجیه، کسانی نیز که از طریق لقاح برون رحمی و با استفاده از تکنیک‌های باروری مصنوعی به دنیا آمده‌اند، باید کرامتشان خدشه‌دار شده باشد. با توجه به همین مسأله است که ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر گونه پیوند میان حقوق انسانی فرد و نحوه ولادت او را انکار نموده است و افراد انسانی را فارغ از نحوه ولادت ایشان، برخوردار از کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه قلمداد کرده است (۱۲). علاوه بر این موارد، تمسک به این تقریر و توجیه در نقض کرامت انسانی صرفاً محدود به فناوری‌هایی خواهد بود که مرتبط با آغاز حیات و تولید مثل انسان است و در سایر موضوعات اخلاق زیستی کارایی ندارد.

تفسیر و تقریر دوم از نقض کرامت انسانی در کلمات نویسندگان مسلمان، می‌تواند این باشد که کرامت انسانی در حفظ و دست‌ناخوردگی ترکیب ژنتیکی اوست. از این رو هر گونه دستکاری در ترکیب وراثتی انسان، نقض کرامت او به شمار می‌رود. شبیه‌سازی انسان، مهندسی جرم‌لاین، فناوری‌های مربوط به ژنوم انسان و بسیاری از آزمایش‌های زیست‌پزشکی بر روی آدمی، ترکیب ژنتیکی بشر را مورد هدف قرار می‌دهد، پس ناقض کرامت ذاتی انسان است (۱۰).

این تفسیر نیز در کلیت آن مواجه با اشکال است. از این منظر، هر گونه دستکاری ژنتیکی و خزانه کروموزومی انسان، غیر اخلاقی و ناقض کرامت ذاتی انسان خواهد بود؛ حال آنکه غالب فقیهان اهل سنت، دستکاری‌های ژنتیکی را که با هدف درمانی انجام شود، مورد پذیرش قرار داده‌اند. در واقع، این نگرش گویی مبتنی بر این باور است که انسان، یعنی مجموعه‌ای از ژن‌های معین که هر گونه دستکاری در آن‌ها مساوی با خدشه‌دار کردن کرامت ذاتی انسان است، اگرچه

سازمان یونسکو در ماده یک اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۹۷ م.) ژنوم انسانی را مبنای وحدت بنیادین اعضای خانواده بشری و شالوده یکپارچگی و شناسایی شأن و کرامت ذاتی بشر دانسته و بر این اساس آن را میراث مشترک بشری محسوب نموده است، اما متعاقباً در ماده سوم اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی مصوب ۲۰۰۳ آگاهانه از همسان قلمداد کردن انسان با خزانه ژنتیکی‌اش دوری جسته است (۱۳). بر اساس این ماده: «هر فرد ساختار ژنتیکی مشخصی دارد؛ در عین حال هویت یک فرد به خصوصیات ژنتیکی وی محدود نمی‌شود و در شکل‌گیری آن شاخص‌های تربیتی، محیطی و فردی و نوع روابط عاطفی، اجتماعی، معنوی و فرهنگی با دیگران نقش دارد و عنصر آزادی در آن مؤثر است.»

تفسیر سومی که از کرامت ذاتی انسان، مستفاد از عبارات نویسندگان مسلمان می‌توان به دست داد، آن است که انسان موجودی است متفاوت و برتر از دیگر موجودات زنده؛ بنابراین نباید با او مانند سایر حیوانات از قبیل موش‌ها و خوکچه‌های آزمایشگاهی رفتار کرد، زیرا تبدیل انسان به عرصه آزمایش‌های گوناگون زیستی و برخورد با او به مثابه موش‌های آزمایشگاهی، ناقض کرامت انسانی است. با این تقریر از کرامت ذاتی انسان، دستکاری در ژنوم و رویان انسانی و نیز آزمایش‌های زیست‌پزشکی بر روی افراد که پیامدهای آن ناشناخته است، ناقض حرمت و کرامت افراد برشمرده می‌شود. یوسف قرضاوی از اندیشمندان معاصر مسلمان، در این مقام چنین استدلال می‌کند: «درست نیست که انسان با حیوانات و نباتات در شیوه تکثیر یا اعمال آزمایش‌های علمی و بازی با عناصر وراثتی‌اش به گونه‌ای که پیامدهای آن معین نیست، یکسان شمرده شود» (۳). در واقع مطابق با این تقریر، انسان‌ها به مثابه ابزارهایی هستند که برای اهداف و مقاصد خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند و انسانیت آن‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد.

این تقریر از کرامت ذاتی انسان نیز در کلیت خود با اشکال مواجه است، زیرا طبق این استدلال، هر گونه آزمایش و تجربه جدید بر روی انسان، غیر اخلاقی و ناقض کرامت ذاتی وی

برشمرده خواهد شد. حال آنکه اگر این قبیل آزمایش‌ها بر روی انسان صورت نمی‌گرفت، هیچ یک از پیشرفت‌های پزشکی امروزی محقق نمی‌شد. همه دستاوردهای گوناگون پزشکی در عرصه‌های مختلف که امروزه در سطح وسیعی مشاهده و اعمال می‌شود و مقبولیت اخلاقی آن‌ها نیز پذیرفته شده است، یک دوره آزمایش و تحقیقات را پشت سر گذاشته است. در این دوره آزمایشی، برای فهم کارایی یک درمان خاص و شناخت عوارض ناشناخته و احتمالی آن، این درمان‌ها تنها بر روی افراد ویژه اعمال می‌شده است و غالباً نه آزمایش‌کنندگان می‌توانستند به روشنی دریابند که انجام این درمان‌ها یا مصرف این داروها چه نتایجی دارد و نه اشخاصی که مورد آزمایش قرار می‌گرفتند، از پیامدهای آن آگاهی داشتند. این دوره آزمایشی و تحقیقاتی معمولاً با ترس و هراس، ابهام و در مواردی قربانی‌شدن‌ها همراه بوده است، پس باید همه این گونه آزمایش‌ها و دستاوردهای ناشی از آن‌ها غیر اخلاقی قلمداد شود، حال آنکه در حقیقت چنین چیزی معقول و پذیرفتنی نیست. از این منظر، چه تفاوتی، میان عمل لقاح خارج از رحم (IVF) هنگامی که برای اولین بار صورت پذیرفته است، با شبیه‌سازی انسانی برای اولین بار وجود دارد؟ در هر دو مورد، انسان موضوع تکنیک و آزمایشی علمی است که پیش از آن در آزمایش بر روی حیوانات به موفقیت دست یافته است. بنابراین صرف آزمایش بر روی انسان به منظور حصول به نتایج مطلوب را نمی‌توان بر نقض کرامت ذاتی انسان تفسیر نمود، البته باید توجه داشت اصل جواز آزمایش و تجربه علمی بر روی انسان، منافاتی با وضع ضوابط دقیق اخلاقی و قانونی برای انجام چنین آزمایش‌هایی ندارد.

واقعیت آن است که در طول تاریخ از انسان‌های فراوانی برای انجام آزمایش‌های مختلف استفاده شده است بدون آنکه ضوابط و معیارهای اخلاقی لازم را کسب کرده باشند. در دوران استیلای حکومت نازی در آلمان و در خلال جنگ جهانی دوم و در بازداشتگاه‌ها و اردوگاه‌های مختلف، به نام علم و برای پیشرفت آن، آزمایش‌های وحشیانه‌ای را اعمال می‌کردند. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نیز این قبیل آزمایش‌ها ادامه داشته است. یکی از غیر اخلاقی‌ترین

پژوهش‌ها بر روی انسان، تحقیقات چهل ساله مربوط به سیفلیس در تاسکجی در ایالت آلاباما بود که بعدها بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا در ۱۶ ماه می ۱۹۹۷ بابت آن از هشت بازمانده آن آزمایش رسماً عذرخواهی کرد و آن آزمایش را شرم‌آور خواند (۱۴).

در این فجایع غیر اخلاقی و غیر انسانی که به نام علم و پژوهش بر ضد انسان رخ داده است، خطا و اشتباه اصلی، اصل آزمایش و پژوهش نیست، بلکه در شرایط و اوضاع و احوالی است که بایستی رعایت می‌شده است؛ اصول و شرایطی که بعدها توسط متخصصان اخلاق زیستی در قالب چهار اصل اساسی، یعنی اصل سودمندی و خیرخواهی، اصل عدم ضرر، اصل استقلال و خودمختاری و اصل عدالت. ماحصل رهیافت مبتنی بر این اصول آن است که با هر انسانی به مثابه یک انسان و همان‌گونه که انتظار داریم با ما رفتار شود، رفتار کنیم و به آنان همچون غایتی فی‌نفسه و نه ابزاری برای مقاصد خویش بنگریم. این نگرش مستلزم آن نیست که هیچ آزمایشی بر دیگران انجام نشود، بلکه آن را زمانی مشروع و اخلاقی می‌شمارد که پیشاپیش اعلام گردد و شخص مورد آزمایش نیز آگاهانه و با آزادی کامل، رضایت خود را به انجام چنین آزمایش‌هایی اطلاع دهد و از روش، محتوا، نتیجه و مخاطرات احتمالی آزمایش باخبر باشد.

نتیجه آنکه اگر مقصود نویسندگان مسلمان از نقض کرامت انسانی، صرف انجام آزمایش و تحقیقات غیر متعارف بر روی انسان باشد، قابل پذیرش نیست، چراکه نفی هر گونه آزمایش بر روی انسان، سدی محکم در مقابل رشد و پیشرفت دانش بشری خواهد بود. آنچه غیر قابل پذیرش است آزمایش‌هایی است که در آنها اصول اخلاق زیستی رعایت نشده باشد و با شیوه‌ها و آشکال غیر انسانی تحقق یافته باشد.

سخن کوتاه آنکه به نظر می‌رسد تا در خصوص مغایرت موضوعات اخلاق زیستی با کرامت ذاتی و الهی انسان از نظرگاه اسلام، باید ممنوعیت یا جواز شرعی این موضوعات را مورد بررسی قرار داد. اگر فناوری‌هایی چون شبیه‌سازی انسان و سایر موضوعات زیست‌پزشکی، از نظر حکم شرعی، ممنوع بوده و مغایر با اصول و قواعد فقهی و اخلاقی اسلام برشمرده

شوند، در آن صورت عمل مزبور، مغایر با کرامت ذاتی و الهی انسان است، زیرا وی را از رسیدن به کمال انسانی که هدف و مقصد نهایی احکام و دستورات شرعی است، باز می‌دارد، اما در صورتی که این فناوری‌ها هیچ گونه منع شرعی نداشته باشند، علی‌الظاهر کرامت ذاتی و الهی انسان را نیز نقض ننموده‌اند.

۲- قرائت فلسفی از کرامت ذاتی انسان در حوزه اخلاق زیستی

پس از بررسی مبانی مذهبی کرامت انسان و تبیین قرائت‌های دین‌مدارانه از آن، باید دید که رهیافت فلسفی و برون‌دینی نسبت به کرامت بشری چیست؟ اصولاً این مفهوم در اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی نظریه‌پردازان سکولار به ویژه اندیشمندان غربی چه جایگاهی دارد؟ با بررسی و تبیین این امر می‌توان به یک دید کلی‌نگر و جامع از کرامت بشری و استناد به آن در ارتباط با موضوعات زیست اخلاقی دست یافت.

امروزه اصطلاح کرامت انسانی (Human Dignity)، در متون اخلاق زیستی و حقوق پزشکی، به ویژه اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی، به شکلی بی‌سابقه مورد استناد قرار می‌گیرد و بخش معظمی از استدلال‌های موجود بر ضد موضوعات زیست اخلاقی را نقض کرامت انسانی تشکیل می‌دهد. واقعیت آن است که اصطلاح کرامت انسانی، تعبیری جدید در ادبیات فلسفی غرب است که از قرن هیجدهم به بعد وارد سنت فلسفی، اخلاقی و حقوقی آن شده است، اگرچه این مفهوم در فرهنگ حقوق بشری و لیبرال امروزین غرب مقبولیت فراوانی دارد و به طور مدام و پیوسته، تمسک و استناد به آن رو به افزایش است، اما اتفاق نظر درباره آن مشاهده نمی‌شود، هرچند این تعبیر به طور عمده با آرا و اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی کانت به عرصه عمومی پا نهاده است، لکن برداشت‌ها و قرائت‌های متفاوت و گاه متضادی از آن صورت گرفته است. در میان این برداشت‌های گوناگون، علاوه بر قرائت کانتی (وظیفه‌گرایانه) از مفهوم کرامت انسانی، رویکرد فایده‌گرایانه و نیز قرائت ماتریالیستی و طبیعت‌گرایانه از کرامت انسانی به چشم می‌خورد.

۱-۲- قرائت کانتی از کرامت ذاتی انسان (وظیفه‌گرایانه):

بی‌تردید، رسوخ اندیشه کرامت ذاتی بشر در فرهنگ معاصر غرب، از نگرش اخلاقی کانت متأثر است و او را می‌توان برجسته‌ترین حامی نظریه کرامت بشری و بلکه مبدع آن به حساب آورد. از نظرگاه او، همه انسان‌ها از کرامت ذاتی برخوردارند و مبنای این کرامت ذاتی، وجود توانایی وی برای انتخاب‌های اخلاقی است. همه انسان‌ها صرف نظر از میزان هوش، ثروت و نوع نژاد و جنسیت، توانایی عمل بر طبق قوانین اخلاقی را دارا هستند. این توانایی عمل بر طبق انتخاب‌های اخلاقی، ناشی از وجود اراده آزادی است که همه آحاد بشر از آن بهره‌مند هستند. به واسطه همین استدلال است که در نهایت کانت به این نتیجه معروف می‌رسد که: «نباید با انسان‌ها به مثابه ابزار و وسیله رفتار کرد، بلکه باید آن‌ها را همواره به عنوان غایاتی ذاتی در نظر گرفت» (۱۵). بر طبق تحلیل کانت از مبنا و منشأ کرامت ذاتی انسان، تنها کسانی که از قدرت تعقل و انتخاب برخوردارند، واجد کرامت ذاتی هستند. در نتیجه، کرامت به این معنا را نمی‌توان شامل رویان انسانی دانست، زیرا رویان انسانی شخص برخوردار از توانایی تعقل و انتخاب نیست و از اراده آزاد بی‌بهره است، البته امروزه این برداشت محل بحث است و هنوز اتفاق نظری از دیدگاه اخلاقی درباره آن حاصل نشده است. راولز نیز - به عنوان میراث‌خوار بزرگ فلسفه کانت - احترام متقابل و کرامت نفس را ناشی از توانایی عمل بر طبق قوانینی می‌داند که انسان‌ها خود را به رعایت آن‌ها ملزم دانسته‌اند (۱۶).

نتیجه‌ای که کانت از قدرت تعقل و توانایی انتخاب اخلاقی و وجود اراده آزاد در انسان گرفته است، قاعده‌ای همگانی و یا امر مطلق بود. امر مطلق در ادبیات فلسفی - اخلاقی کانت، امری است که قطعی و غیر مشروط به هر گونه قید و شرط باشد و قاعده‌ای همگانی و کلی محسوب گردد. این امر مطلق کانتی که: «نباید با انسان‌ها نباید به مثابه ابزار رفتار کرد، بلکه باید آن‌ها را همواره به عنوان غایاتی ذاتی در نظر گرفت»، از دو جنبه قابل بررسی و تعمیق است: نخست از جنبه سلبی، وی به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که با بشریت خود و انسان‌های دیگر نباید به مثابه ابزار رفتار کنند، بلکه باید آن‌ها

را همواره به عنوان غایاتی ذاتی مد نظر قرار دهند. در مقابل، جنبه ایجابی امر مطلق کانت قابل بررسی است که نه تنها ضد جنبه سلبی آن نیست، بلکه نتیجه منطقی آن هم تلقی می‌شود. بر این اساس در جایی که نباید با انسان‌ها به مثابه ابزار رفتار کرد، پس باید روش‌های خاص دیگری وجود داشته باشد که با تمسک به آن‌ها رفتارهای اخلاقی شکل گیرد. این نتیجه منطقی در صورتی قابل اعمال است که آدمیان، بشریت خود یا هم‌نوع خود را به عنوان غایات ذاتی در نظر داشته باشند.

در حوزه اخلاق زیستی و به ویژه مسأله آزمایش و پژوهش‌های زیست‌پزشکی و بحث شبیه‌سازی انسانی، اعم از تولید مثلی و درمانی، جهت اعمال این قاعده همگانی و امر مطلق در سنت کانتی باید دید که آیا انسان به مثابه غایت ذاتی در نظر گرفته می‌شود یا به مثابه ابزاری صرف در جهت نیل به اهداف دیگران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؟ با نگاهی گذرا به بسیاری از مواضع کنونی دانشمندان و عالمان اخلاق و نیز سیاست‌مداران و حقوق‌دانان کشورهای مختلف در قبال مسأله شبیه‌سازی انسانی که از مهم‌ترین موضوعات اخلاق زیستی محسوب می‌شود، به روشنی می‌توان دریافت که ایشان تحت تأثیر قرائت کانت از کرامت ذاتی انسان، به مخالفت با شبیه‌سازی انسان پرداخته و آن را مغایر با کرامت ذاتی انسان دانسته‌اند.

۲-۲- قرائت فایده‌گرایانه از کرامت ذاتی انسان: ردّ

پای نگرش فایده‌گرایانه و سودمدارانه را در بسیاری از مباحث فلسفه اخلاق، اخلاق هنجاری، اخلاق کاربردی و نیز اخلاق زیستی می‌توان مشاهده نمود. فایده‌گرایی در حقیقت یکی از فروع و زیرشاخه‌های مکتب پیامدگرایی (Consequentialism) یا به تعبیر دیگر نظریه‌های غایت‌گرایی (Teleological Theories) است. غایت‌انگاری به شماری از نظریه‌ها اطلاق می‌شود که برای آن‌ها نتیجه و غایت اهمیت فراوانی دارد. از این رو هر نظریه اخلاقی که برای خود غایت و هدفی را ترسیم کند که توجیه‌کننده رفتار تلقی شود، زیرمجموعه غایت‌انگاری محسوب می‌گردد. بر اساس رهیافت فایده‌گرایی، هرچه سود و فایده درخور بیشتری از نتایج یک عمل به دست آید، آن عمل

و رفتار ترجیح بیشتری دارد و اخلاقی‌تر محسوب می‌شود. این نگرش به حوزه تصمیم‌گیری در خصوص فناوری‌های نوین زیستی نیز راه یافته است. نحوه استدلال در این نوع نگرش، بر پایه محاسبه سود و زیان (دفع ضرر - جلب منفعت) پی‌ریزی شده است. اگر فواید عمل بر مضرات و آثار سوء آن برتری و رجحان داشته باشد، در آن صورت، عمل مزبور اخلاقی و صحیح است. حال سؤال این است که رابطه و تعامل میان اندیشه کرامت ذاتی بشر و اندیشه فایده‌گرایی چگونه است؟ آیا باورمندی به کرامت بشر و تمامیت شأن وی، طومار نگرش سودمداری و فایده‌گرایی را در هم می‌پیچد یا به عکس، اصالت سودمندی خود نوعی برداشت مجزا و مستقل از کرامت انسانی به دست می‌دهد؟

از یک نظر می‌توان گفت که این دو اندیشه (فایده‌گرایی و کرامت بشری) دو موضوع کاملاً مجزا و مستقل هستند. کرامت بشر مفهومی است که به نفس انسان یا نیروی تعقل و اراده آزاد وی مربوط است، حال آنکه فایده‌گرایی محاسبه سود و زیان را در دستور کار دارد. در اینجا است که برخی معتقدند در صورتی که محاسبات سودانگاران در تعارض با باورهای ما در خصوص عدالت، حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان قرار گیرد، به نفع موارد پیش گفته، فرو کاسته می‌شوند و در صورت عدم امکان جمع میان آن‌ها، این موارد (عدالت، حقوق بشر و کرامت انسان) بر محاسبات سودانگاران مقدم داشته می‌شوند.

از دیدگاه دیگر، می‌توان گفت که فایده‌گرایی، خود برداشتی ویژه از مفهوم کرامت بشری دارد. بر اساس این نگرش، هر آنچه نسبت به یک شخص مفیدترین و سودمندترین باشد، مناسب با کرامت اوست و کرامت و تمامیت شأن او را تضمین می‌کند. یکی از فایده‌گرایان عمل‌گرا در حوزه اخلاق زیستی که آوازه بلندی دارد، پیترو سینگر است. او که از مدافعان سرسخت جواز قتل از روی ترحم و بچه‌کشی است، دقیقاً با استدلال به همین قرائت فایده‌گرایانه از کرامت بشری، حکم به جواز چنین اعمالی می‌دهد. او به عنوان مثال به کودک مبتلا به هموفیلی اشاره می‌کند که از درد و رنج این بیماری مهلک در عذاب است. از نگاه او چنانچه این کودک بمیرد، به گشایش و راحتی می‌رسد، زیرا او از این بیماری رنج می‌برد و

کرامت بشری او ایجاب می‌کند که از این درد خلاصی یابد، پس می‌توان بدون این‌که کرامتش نقض گردد به او در دستیابی به این خلاصی کمک نمود.

در قلمروی سایر موضوعات اخلاق زیستی نیز این دیدگاه با رویکردی نفع طلبانه به ارزیابی و تطبیق کرامت بشری می‌پردازد. کاربرد این نگرش در فناوری‌های نوین زیستی، نظیر شبیه‌سازی انسان می‌تواند بسیار خطرناک باشد، زیرا نگاه به انسان‌های شبیه‌سازی‌شده، نگاهی کالانگارانه و ابزاری خواهد بود. در اینجا آنچه که مورد توجه و در درجه اول از اهمیت قرار خواهد گرفت، منافع حاصل از کاربرد این فناوری‌هاست و اگر این منافع ایجاب کنند، چه بسا بتوان به آزمایش‌های پی در پی و اقدامات متوالی دست زد. به عنوان مثال اگر در شبیه‌سازی تولید مثلی، یک کلون و شبیه معیوب و ناقص تولید شود، به راحتی همانند کالایی خراب از بین برده می‌شود تا به جای آن دوباره کلون و شبیه دیگری ساخته شود. در این حالت نه تنها کرامت بشری نقض نمی‌شود، بلکه اساساً این اقدام در راستای حفظ کرامت ذاتی بشر و حمایت از جایگاه فرد انسانی تفسیر می‌گردد.

۳- رهیافت ماتریالیستی و طبیعت‌باورانه در خصوص کرامت ذاتی انسان

پذیرش برداشت‌های دینی و حتی قرائت‌های فلسفی و عقلی از نوع وظیفه‌گروانه آن نسبت به کرامت بشری، برای افرادی که رویکردی مادی و طبیعت‌باورانه به جهان هستی دارند، دشوار به نظر می‌رسد. به طور معمول، افرادی از دانشمندان علوم طبیعی و زیستی در زمره این افراد قرار می‌گیرند که معتقدند مفهوم اراده آزاد و عقلانی مورد نظر کانت، سرابی پوچ و باطل است و در واقع این علل و اسباب مادی است که فرایند تصمیم‌گیری انسان را تشکیل می‌دهد. هنگامی که انسان‌ها مبادرت به تصمیم‌گیری و اقدام در خصوص امری می‌کنند، این انتخاب و تصمیم‌گیری، نتیجه یک سری کنش و واکنش‌های مربوط به یاخته‌های عصبی بر یکدیگر است و این جرقه‌های عصبی است که حالت‌های مادی مغز را تحریک می‌کند. این گروه از دانشمندان علوم تجربی بر این باورند که هرچند فرایند تصمیم‌گیری در انسان، پیچیده‌تر

از فرایندهای تصمیم‌گیری در حیوانات است، اما هیچ دلیل مشخصی که میان انتخاب اخلاقی انسان از انتخاب سایر حیوانات تفکیک و تمایز ایجاد کند، وجود ندارد. فرض وجود مسلم و ضروری عقل عملی که توجیه‌گر اراده آزاد انسان از نظرگاه کانت است، از دیدگاه این دسته از دانشمندان علوم طبیعی و تجربی که سخت به ابزار تجربه و مشاهده ایمان و اتکا دارند، امری موهوم و غیر قابل پذیرش تلقی می‌شود.

بر اساس این نگرش، کرامت بشری به عنوان یک اصل زیست‌شناختی مطرح می‌شود. در این رهیافت، همه چیز به ساختار ژنتیکی انسان بازمی‌گردد و معیار هویت و دارابودن شخصیت، مجموعه ژن‌ها و صفات برخاسته از آن است. بر این اساس، تمامی خصیصه‌های طبیعی جسمانی و ظاهر و حتی اوصاف و ویژگی‌های روحی و روانی انسان، در ژن‌ها او ریشه دارد. در حقیقت این‌گونه نگرش به انسان مبتنی بر جبر وراثتی و حتمیت زیستی یا جبر ژنتیکی است که امروزه طیف گسترده‌ای از دانشمندان علوم تجربی و زیستی را به همراه دارد. در واقع، کرامت بشری بر اساس این دیدگاه، عبارت از مجموعه اطلاعات ژنتیکی همه خصوصیات بنیادی نوع بشر است. در این برداشت، حمایت از کرامت بشری به معنای حمایت از طبیعت زیستی انسان است. بنابراین دستکاری در DNA و ژنوم انسانی و از بین بردن تنوع زیستی بشر باعث نقض کرامت فردی انسان می‌شود. پرتوهایی از این دیدگاه را می‌توان در برخی از اسناد بین‌المللی دید. به طور مثال، یونسکو در اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۹۷ م.) کرامت انسان را با خزانه ژنتیکی وی پیوند زده و بنیاد آن را ژنوم بشری می‌داند. ماده یک این اعلامیه مقرر می‌دارد: «ژنوم انسانی که بیانگر وحدت بنیادین همه اعضای خانواده انسانی و به رسمیت‌شناختن کرامت و تنوع آنان است به معنایی نمادین، میراث مشترک بشری به شمار می‌رود».

با فرض پذیرش این رویکرد طبیعت‌گرایانه به کرامت بشری، رابطه آن با سلامت انسان چگونه است؟ آیا در این صورت درمان بیماری‌های انسانی را به استناد لطمه بر طبیعت و ساختار فیزیولوژیکی وی، نمی‌توان نقض کرامت بشری محسوب نمود؟ به عنوان مثال، فردی که مبتلا به بیماری

کم‌خونی نوع الف است، دارای یک سری خصوصیات ژنتیکی مخصوص به خود (ژنوم) است که گویای تشخیص وی و از جمله بیماری خاص خود می‌باشد. حال اگر برای مداوی چنین بیماری تلاش شود، در حقیقت تلاشی در راستای تغییر در هویت ژنتیکی او و دستکاری در انسان‌بودن وی تلقی می‌شود و این نیز برابر است با نقض کرامت انسان مطابق با تفسیر ماتریالیستی و طبیعت‌گرایانه و به خودی خود بنیان اعتقاد به کرامت انسانی را در این برداشت، مخدوش می‌سازد. اگر بنا بر پذیرش درمان در این قبیل بیماری‌ها باشد، لزوماً باید از توجیهات فایده‌گرایانه سود برد، غافل از آنکه استفاده از راه‌حل‌های سودمدارانه و استفاده از راه‌حل‌های درمانی به قیمت دستکاری در هویت ژنتیکی، در تعارض آشکار با مبانی ماتریالیستی این رهیافت به کرامت ذاتی انسان است.

نتیجه‌گیری

کرامت انسانی با منشأ کلیه حق‌های بشری قلمدادشدن، جایگاه مهمی در حوزه اخلاق زیستی و جواز یا ممنوعیت هر گونه رفتار و اقدام زیست‌پزشکی یافته است. از این رو در این جستار کوتاه تلاش شد تا در طی چند گفتار به بررسی و ارزیابی قرائت‌ها و رهیافت‌های متفاوت از کرامت انسانی پرداخته شود.

از کرامت انسان قرائت‌هایی چند ارائه شده است. در قرائت دین‌مدار، کرامت ذاتی انسان بازتابی از ویژگی و صفت وجه‌الله‌بودن وی است. اندیشمندان مسلمان نیز بر کرامت انسان تصریح نموده و رعایت آن را در حیطه اخلاق زیستی ضروری برشمرده‌اند. با این حال، واقعیت آن است که کرامت انسان مفهومی مبهم و متشابه است که معیار و ملاک دقیق و مشخصی در تبیین ماهیت و نیز رعایت حرمت و شأن آن ارائه نشده است. به روشنی مشخص نیست که از منظر دینی به طور عام و از دیدگاه اسلامی به طور خاص چگونه کاربست برخی فناوری‌های نوین زیستی می‌تواند به نقض کرامت ذاتی انسان بینجامد.

امروزه در ادبیات فلسفی غرب، از مفهوم کرامت انسانی، قرائت‌های غیر دینی و فلسفی متعددی ارائه و به شکل

گسترده رایج شده است. در سنت کانتی همه انسان‌ها به دلیل وجود قدرت تعقل و اراده آزاد دارای کرامت ذاتی هستند و در نتیجه نباید با ایشان به مثابه ابزار رفتار کرد، بلکه باید همواره ایشان را به عنوان غایاتی ذاتی در نظر گرفت. در حوزه اخلاق زیستی نیز بر این اساس، چنانچه کاربست فناوری‌های نوین زیستی موجب شود تا آدمی همچون آلت و ابزاری در نظر گرفته شود، کرامت ذاتی وی مخدوش و نقض شده محسوب می‌گردد. در نقطه مقابل، رهیافت فایده‌گرایانه از کرامت انسانی، مفیدترین و سودمندترین امر نسبت به فرد و کرامت وی را رفتاری می‌داند که بیشترین خیر و فایده را نصیب او نماید. این دیدگاه در قلمروی اخلاق زیستی، با رویکردی منفعت‌طلبانه به ارزیابی کرامت بشری پرداخته و آن دسته از موضوعات زیست اخلاقی را که برای انسان فایده‌مند باشد، در راستای حفظ و حراست از کرامت او تلقی می‌کند. کاربرد این رهیافت می‌تواند در مواردی چون شبیه‌سازی انسان خطرناک باشد، زیرا با استناد به منافع حاصل از این فناوری، حسن و قبح اصل عمل و انهداده می‌شود. در رهیافت طبیعت‌گرایانه، کرامت بشری به عنوان اصلی زیست‌شناختی مطرح می‌شود و معیار هویت و شأن انسانی، ژنوم و صفات برخاسته از آن قلمداد می‌گردد. بر اساس این رویکرد که مبتنی بر تفسیری ماتریالیستی از انسان است، حمایت از کرامت بشری در معنای حمایت از طبیعت زیستی انسان به کار می‌رود و در نتیجه حمایت از هر گونه اقدامی که این طبیعت زیستی و نظم و تنوع ژنتیکی را مخدوش سازد، ناقض کرامت بشری به شمار می‌رود.

References

1. Mosazadeh M. Human dignity and human cloning. *Legal Research* 1389. 16(11): 252. [Persian]
2. Evans JH. Cloning Adam's Rib: a Primer on Religious Responses to Cloning. Pew Report; 2001. Available at: <http://www.pewforum.org>.
3. Islami S.H. Human cloning of view, Catholicism and Islam. Qom: Center for Religious Studies and Research; 1386. [Persian]
4. Pop JP. Evangelium Vitae. 1995. Available at: http://w2.vatican.va/content/john-paul-ii/en/encyclicals/documents/hf_jp-ii_enc_25031995_evangelium-vitae.html.
5. Pop JP. Message to Pontifical Academy of Sciences. 1996. Available at: https://w2.vatican.va/content/john-paul-ii/en/messages/pont_messages/1996/documents/hf_jp-ii_mes_19961129_pont-accad-scienze.html.
6. Bart H, Paul K. Schotsmans. Cloning: The Human as Created Co-Creator? *Ethical Perspectives Review* 2001; 8: 81.
7. Vatican's Mission to the United Nations. Document of the Holy See on Human Cloning. 2004. Available at: http://www.vatican.va/roman_curia/secretariat_state/2004/documents/rc_seg-st_20040927_cloning_en.html.
8. Macklin R. Double Standards in Medical Research in Developing countries. New York: Cambridge University Press; 2004.
9. Misbah AH. Cloning between al-Alam and Al. Lebanon. Beirut: Dar Almsryh Albnanyh; 2005. [Arabic]
10. Odat Allah RA. Cloning In the balance Islam. Jordan, Amman: Dar Osama; 2003. [Arabic]
11. Amid Hasan. Al-Istinsakh. *Majallah al-Fikr al-Arabi* 1996; 16(4): 238. [Arabic]
12. Amir Argomand A. Collection of international instruments on human rights, international documents. Tehran: martyr Beheshti University Press; 1386. [Persian]
13. Nobahar R. International Declaration on Human Genetic Data: concerns, approaches and compatibility with Islamic views. *Journal of Mofid University* 1383; 7(3): 86.
14. Singer P. Report of Human Cloning. New York Times newspaper; 1997. Available at: http://www.nytimes.com/1997/04/16/report/pages/index.html/01?_r=1&hp.
15. Kant I. Moral metaphysics. Translated by Manouchehr Sanei Darreh Bidi. Tehran: Patterns and spreads Negar, Stencils; 1380.
16. Gurnham D. The Mysteries of Human Dignity and the Brave New World of Human Cloning. *Social & Legal Studies* 2005; 14(2): 199.